قدس
# رواق
ویژه‌فرهنگ و معارف رضوی
سال اول | ویژه نامه ۱۲۱

صادق ذباح

در گفت‌وگوی قدس
با حجت‌الاسلام واعظ موسوی مطرح شد

## خانواده موفق به روایت سوره «هل اتی»

«درباره اهتمام امام رضا(ع) به تربیت کریمانه فرزند نقل است که ایشان در نامه‌ای به فرزندشان جوادالائمه(ع) نوشتند:... تو را به حق پدری که نسبت به تو دارم سوگند می‌دهم ورود و خروج خود را از در بزرگ قرار دهی و هرگاه می‌روی درهم و دیناری همراه داشته باش تا هر کسی را که از تو حاجتی خواهد از بخشش خود بهره‌مند گردانی...»؛ این جملات بخشی از گفت‌وگوی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی واعظ موسوی، کارشناس مذهبی، سخنران آستان قدس رضوی و مشاور خانواده است که به مناسبت روز خانواده با ما در میان گذاشته و مشروح آن تقدیم حضورتان می‌شود.

■ **فلسفه نام‌گذاری بیست و پنجمین روز از ماه ذی‌الحجه به روز خانواده چیست؟**

بنابر نقل تاریخ، امام حسن و امام حسین(ع) بیمار شدند و اعضای خانواده نذر کردند اگر آن حضرات(ع) بهبود یابند سه روز روزه بگیرند. چنین شد و همگی روزه گرفتند. در روز نخست هنگام افطار دق‌الباب شد و مسکینی سؤال کرد (مسکین از فقیر دردمندتر و زمینگیر است و نمی‌تواند فقر خود را پنهان کند). اهل بیت رسول خدا(ص) افطار خویش را به مسکین بخشیدند و ...

۲

شرح حدیث
سرنخ برآورده نشدن حاجات، به من و تو برمی‌گردد ۲

افزایش ظرفیت تولید «داروسازی ثامن» و «شیراز سرم» در شرایط کرونایی
آستان قدس رضوی پای کار تأمین سِرم ۴

یک روز با اعضای مؤسسه شمس در مرکز «مادر و کودک» تهران
خاطره شیرین از آبگوشت نذری مرحوم فلسفی ۲

گفت‌وگو با چند نفر از بازنشستگان آستان قدس رضوی به مناسبت روز «تکریم بازنشستگان»
ز آستان رضایم خدا جدا نکند... ۴

تشرف رئیس مجلس سنای پاکستان به حرم مطهر رضوی ۴

درباره «رباط طرق» و ارتباط آن با فرهنگ زیارت

## یادگار «سلام»های زائرانه

محمدحسین نیکبخت

بیشتر بناهای تاریخی درون و اطراف شهر مشهد، با موضوع زیارت ارتباطی مستقیم دارند. از آنجا که سبب ایجاد شهر مشهد، وجود مرقد مطهر حضرت ثامن‌الحجج(ع) است، این مسئله چیز بعید و غریبی نیست.

پیشینیان ما می‌کوشیدند محوریت حرم مطهر هم از نظر شهرسازی و هم از منظر اصالت و هویت شهر و اطراف آن، همیشه حفظ شود.

این همان نکته مهمی است که ظاهراً مسئولان امر در توسعه‌های چند دهه اخیر به فراموشی سپرده‌اند؛ رویکردی که می‌تواند به هویت پایتخت معنوی ایران آسیبی جدی وارد کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد یک گام مهم و مؤثر برای شناخت این هویت و اثبات اصالتی که از آن سخن گفتیم، مروری بر جایگاه و ارتباط این بناهای تاریخی با مقوله زیارت و فرهنگ آن باشد. چند روز پیش، این مسئله را در مورد رادکان که در سمت غربی مشهدالرضا(ع) قرار دارد و روزگاری، آخرین منزلگاه زائرانی بود که از آن مسیر به مشهد مشرف می‌شدند، بررسی کردیم. امروز و در ادامه همان روند، می‌خواهیم به سراغ بنای دیگری در نزدیکی مشهد برویم که کارکردش در موضوع زیارت و فرهنگ آن، کارکردی قدیمی و کاملاً شناخته شده و مشهور است؛ بنای تاریخی رباط یا کاروانسرای طرق و هویتی که نباید آن را دست‌کم بگیریم.

■ **جایگاه جغرافیایی رباط طرق**

طُرُق یکی از قدیمی‌ترین مناطق شناخته شده در اطراف مشهد رضوی است. در منابع تاریخی قدیم، مانند «مسالک و ممالک» اصطخری، از آن با نام «طروغ» یاد شده است. در نزدیکی این منطقه که امروزه در محدوده شهری مشهد قرار دارد، مکان‌های تاریخی متعددی می‌توان یافت؛ مانند «ایوان طرق» و البته «رباط طرق» که در گذشته در کنار کاروانسراهای متعدد روستاهای اطراف شهر مشهد مانند «باش ساروج»، «علاقبند»، «فخر داوود»، «سفید» و ... محل آمد و شد زائران حرم رضوی بوده و بلکه نسبت به دیگر رباط‌ها، رونق و شوکت بیشتری داشته‌است. دلیل این رونق، نزدیک بودن رباط طرق به شهر مشهد بوده است.

افضل‌الممالک در سفرنامه خود از رباط طرق با عنوان مکان وداع و استقبال زائران سخن به میان می‌آورد. از آنجا که رباط در نزدیکی تپه‌سلام قرار دارد، می‌توان این موضوع را به راحتی پذیرفت که به احتمال بسیار زیاد، آخرین بارانداز زائران پیش از ورود به مشهد و نخستین توقفگاه زائران پس از خروج از مشهد بوده‌است.

به احتمال زیاد، زائرانی که در «رباط خاکستری» اقامت نمی‌کردند و از آن می‌گذشتند، شبی را در رباط طرق می‌ماندند؛ رباط خاکستری که در مسیر غربی جاده زیارت قرار دارد، از نظر فاصله، چند فرسخی دورتر از رباط طرق است و کاروان‌ها نیم روزی برای حرکت از رباط خاکستری و رسیدن به رباط طرق زمان لازم داشتند.

■ **یک تاریخچه پُرشکوه**

بنای رباط طرق که امروزه ظاهراً به موزه زیارت تبدیل شده، مربوط به دوره صفوی است که البته در عصر قاجار نیز بارها مرمت و تعمیر شده و نیز آن را توسعه داده‌اند.

طبق کتیبه تاریخی رباط، بنای آن در سال ۱۰۸۰ قمری ساخته شده که اگر این تاریخ را زمان احداث بنا فرض کنیم، مطابق با دوران سلطنت شاه سلطان‌حسین، آخرین پادشاه صفوی است. اما به نظر می‌رسد قدمت رباط طرق بیش از این حرف‌ها باشد و به احتمال زیاد، کاروانسرایی که در دوره صفوی ساخته شد، به روی کاروانسرایی بنا شد که قدمتش دست‌کم به قرن چهارم و پنجم قمری می‌رسید؛ چرا که می‌توان نمونه‌هایی از چنین رباط‌هایی را -هر چند به صورت ویران- در اطراف مشهد یافت؛ مانند آنچه به نام «رباط کالِ‌خونی» مشهور است. نباید تردید کرد مکان جغرافیایی مناسب رباط طرق و نیز نزدیکی آن به یکی از کانون‌های کهنسال جمعیتی اطراف مشهد، موجب احداث و توسعه کاروانسرای یاد شده در قرون اولیه اسلامی شد.

■ **آداب زیارت در رباط کهنسال**

رباط طرق تا پیش از احداث جاده مشهد به نیشابور و تسریع در رفت و آمد زائران، یک مکان خاص به حساب می‌آمد. بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد در کنار این بنا حمامی وجود داشت که زائران پیش از حرکت به سمت مشهد در آن استحمام و غسل می‌کردند و به همین دلیل حمام یاد شده نزد مردم جایگاه ویژه‌ای داشت و از نظر بهداشتی و امکانات به آن توجه خاص می‌شد. محوطه حدود ۹۵۰ مترمربعی کاروانسرا، محیطی مناسب را برای اقامت زائران ایجاد می‌کرد. معمولاً این محل مکان اسکان زائرانی بود که هنگام غروب به کاروانسرا می‌رسیدند و برای طی کردن پنج کیلومتر باقیمانده، تا صبح در این مکان می‌ماندند و سپس راه مشهد را پیش می‌گرفتند.

■ **جهانگرد فرانسوی**

رباط در ایام مختلف سال و بسته به مناسبت‌های مختلف، شاهد فعالیت‌های مذهبی هم بود. خاص بودن مسیر آن سبب می‌شد کاروان‌های زیارتی روستاهای غرب مشهد، عموماً در کاروانسرای طرق توقف کنند و حتی در ایام عزا، شبی را به عزاداری در آن مشغول شوند. دالمانی، جهانگرد فرانسوی که اواخر قرن نوزدهم به مشهد سفر کرد، در مسیر خود کاروان‌هایی را دید که در تپه سلام توقف کرده و شبی را در کاروانسرای نزدیک آنجا که به احتمال زیاد رباط طرق بوده‌است، اقامت می‌کردند.

در واقع کاروانسرای طرق با مفهوم زیارت عجین بوده و هر برنامه و سنتی در آن، با فرهنگ زیارت پیوند می‌خورد. گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد در قرن‌های قبلی، لوحی سنگی و دربرگیرنده زیارت‌نامه امام رضا(ع) در کنار در ورودی کاروانسرا قرار داشت تا زائرانی که قصد زیارت می‌کردند، پس از استحمام و استراحت، با خواندن زیارت‌نامه، هنگام خروج از کاروانسرا حال معنوی زیارت پیدا کنند.

گزیده

طبق کتیبه تاریخی رباط، بنای آن در سال ۱۰۸۰ قمری ساخته شده که اگر این تاریخ را زمان احداث بنا فرض کنیم، مطابق با دوران سلطنت شاه سلطان‌حسین، آخرین پادشاه صفوی است. اما به نظر می‌رسد قدمت رباط طرق بیش از این حرف‌ها باشد.

خبر

## مخاطبان برنامه‌های فرهنگی «باغ خاتون»

از ابتدای امسال تاکنون ۱۲ هزار نفر از بانوان مشهدی، مخاطب برنامه‌های متنوع اردویی، موضوعی و مناسبتی و کارآفرینی مرکز امور بانوان بنیاد کرامت رضوی در محل باغ اردوگاه خاتون بوده‌اند.فاطمه دژبرد؛ رئیس مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی در گفت‌وگو با آستان‌نیوز گفت: باغ اردوگاه خاتون به عنوان نخستین مرکز نوآوری و فرهنگی ویژه بانوان در شهر مشهد، طرح و برنامه‌های متنوعی را با هدف نشاط آفرینی و امیدبخشی در بانوان، رشد و اعتلای معرفتی، فرهنگی و مهارتی آن‌ها با تکیه بر مبانی دینی و تکمیل نقش‌های مادری و همسری در طول سال به اجرا می‌گذارد.

وی افزود: فعالیت باغ خاتون در سه زمینه اصلی اعم از برگزاری انواع اردوها، فعالیت‌های ایده‌پردازی و نیز برگزاری رویدادهای کارآفرینی تعریف شده‌اند اما ۶ طرح اردویی شامل «مهارت‌افزایی کودک»، «دختر ماه»، «تلألو»، «رویش»، «با هم» و «بارش» مهم‌ترین فعالیت‌های باغ را سر و شکل می‌دهند.

دژبرد همچنین گفت: از ابتدای امسال، ۴۰۰ تن از دختران و بانوان مشهدی از انواع طرح‌های اردویی باغ خاتون استفاده کرده‌اند.«سرای خاتون» نیز در حوزه برگزاری رویدادهای کارآفرینی، بیش از ۸ هزار مخاطب از بین بانوان مشهدی به خود جذب کرد. در طول سال انواع کارگاه‌های آموزشی و نیز ویژه‌برنامه‌های مناسبتی ملی و مذهبی و پویش‌های اجتماعی با محوریت خدمت به بانوان برگزار می‌شود که مخاطبان خاص خود را دارد.وی بیان کرد: در مجموع از ابتدای امسال ۴ هزار تن از دختران و بانوان شهر مشهد، مخاطب برنامه‌های گوناگون اردویی، موضوعی و مناسبتی مرکز امور بانوان بنیاد کرامت رضوی در محل باغ اردوگاه خاتون بوده‌اند.

چند دقیقه زندگی

بریده‌ای از سخنان حجت‌الاسلام ماندگاری

## پیش از افتادن توی هچل...

نخستین گام برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی، فهم دینی است. تشخیص دینی است... زمانی که مدرسه می‌رفتیم شعر معروفی بود که: توانا بود هر که دانا بود... این شعر رو هرجا بگین مفهومشو می‌فهمن. من اسمشو گذاشتم شعار بین‌المللی. فارسی‌تر و ساده‌ترش میشه هرچی فهم ما بیشتر باشه، سهم ما بیشتره، درک ما بیشتر باشه یعنی قدرت ما بیشتره، توانمون بیشتر و خسارتمون کمتره. اَلعِلمُ سُلطان. امروز هم ابرقدرت‌ها بیشتر ابرقدرت علمی‌اند. خب اگه قبول دارین هرچی فهم ما بیشتر باشه، سهم و قدرت و توان ما بیشتره، قبول ندارین فهمی که خدا و دین به ما میده، بهتر، قوی‌تر، کامل‌تر و جامع‌تر از سایر فهم‌هاست؟ قبول ندارین این فهم، محدود به زمان و زبان و مکان نیست و به‌روزتر است؟ و عَلّم الادمَ اسماء کَلّها... خدا هرچه فهم در عالم بود به پیامبران داد. اگه شما اون شعار توانا بود هر که دانا بود رو قبول دارین پس قبول دارین فهم دینی همه اجزا رو در نظر گرفته، هم به فرد توجه داره هم به جامعه؛ هم زن، هم مرد، هم پدر، مادر، همسر و همه چیزو در نظر گرفته... کنار این‌ها عنصری هم به نام «ولایت» داریم که اگر مشکل یا پرسشی برات پیش اومد، ازش می‌پرسی؛ ولی یا جانشین و عالِمی که زبان و زمان تو رو می‌شناسه... دین و سبک زندگی رو به زبان خودت برات توضیح میده. امام زمان هم میگن مسائل و مشکلات جدیدی رو که برای شما پیش میاد از علمای دین بپرسین؛ اونایی که به زبان روز دین رو معرفی می‌کنن. خلاصه براساس شعار توانا بود هر که دانا بود، هرچه فهم دینی و قرآنی ما بیشتر باشه، فهم دنیا و آخرتمون هم بیشتر و خسارتمون توی زندگی کمتره... پس گام اول سبک زندگی اسلامی اینه که هرجا هستی برو دنبال فهم درست دینی... می‌خوای دنیا رو درست بفهمی، مدیریت رو بفهمی یعنی چی، تفریح درست چیه، زندگی مشترک چیه، زن، شوهر، پدر، مادر...؟ باید فهم و تشخیصت رو دینی کنی... پرسیدن رو هم فراموش نکنیم... پرسش ما باید پیش از شروع به عمل باشه... پیش از اینکه کاری رو شروع کنیم اگه چیزی رو نمی‌دونیم و دنبال فهمش هستیم، بپرسیم، نه بعد از افتادن توی هچل.

نیمکت زندگی

## دعایی که مرا پیدا کرد!

رقیه توسلی

«اَللّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ کُلِّ مَکْرُوب»۱۴-۱۵ روزی است در جواب هر که بپرسد «خوبی، چه خبر؟» اول همین را می‌گویم. این تکه دعا، شده حال خوب من... شده پُل من.

می‌پرسند: ناقلا! حالا چطور یکهو عالِم شدی؟

جوابی ندارم جز واقعیت. می‌گویم راستش این دعا خودش من را پیدا کرد.

نزدیک دو هفته گذشته رفته بودم داروخانه. داخل و بیرونش غلغله بود. به‌قدری شلوغ که چوب به زمین نمی‌آمد. پیش خودم گفتم می‌روم خلوت‌تر که شد برمی‌گردم. ۱۰۰متریِ داروخانه پیرمردی بساط داشت. گلدان می‌فروخت. یک خورجین خوش قیافه قرمز هم بغل دستش بود. گفتم بروم آنجا ببینم دنیا دست کیست؟ رفتم. گلدان‌ها یکی از یکی زیباتر. پر از طرح‌های اصیل و قدیمی. تا خواستم قیمت یکی‌شان را بپرسم، فروشنده درحالی‌که سرش به خورجینش گرم بود پرسید: برای مادرت می‌خواهی گل بکاری دخترجان؟

گیج و ویج فقط نگاهش کردم. لال شدم. یعنی چه که او فهمید من قصدم از خرید چیست؟

بی آنکه از جواب ندادنم تعجب کند، گفت: این دواخانه تا یک ربع دیگر خلوت است. غمت نباشد. آن‌وقت «اَللّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ کُلِّ مَکْرُوب» را آن‌قدر آهنگین و بجا خواند که لحظات بدقیافه روزم در آن واحد پاک شدند. با تشکر فراوان، گلدانی را برداشتم که به چشم مشتری وراندازش کنم. باورم نمی‌شد آنچه را که می‌دیدم. همین فراز خوانده شده چسبانده شده بود به شکم سفالی گلدان. دیگر جای چک و چانه باقی نمانده بود. نشانه‌ها سرازیر شده بودند. نمی‌دانم اصلاً انتخاب کردم یا انتخاب شده بودم.

پیش از اتمام خرید دلم نیامد فضولی‌ام را پس بزنم و از خورجین نپرسم. گفت یادگار مادرخدابیامرزش است. مادرش حافظ قرآن بود. یک آرزو هم بیشتر نداشت؛ اینکه بچه‌هایش اهل خدا و پیغمبر باشند. می‌خواست اوس کریم دوستشان داشته باشد. گفت این دعا و این خورجین میراث است. مادرش می‌گفت این دعا، پُل است پسرجان.

پی‌نوشت

راست می‌گفت پیرمرد راهنما... داروخانه‌چی ۲۰ دقیقه بعد همان‌طور که قهوه‌اش را میل می‌کرد داشت نسخه من و دو مراجعه‌کننده دیگر را می‌پیچید. آن‌روز فقط شاخ درنیاوردم وقتی برای بار سوم گوش‌هایم داشت «اَللّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ کُلِّ مَکْرُوب» را می‌شنید این‌بار از تلویزیونِ دواخانه؛ وقتی که گره از کارم باز شده بود.

قطارنوشت

# چند روز تا محرم

**یاسمن ارجمندی:** هاجر اهل قشم بود اما ۲۰ سالی می‌شد در بندرعباس زندگی می‌کرد؛ از همان روزهای خوش جوانی که با محمد ازدواج کرده بود. محمد پسرعمه مادرش بود و از بچگی تمام خاطراتش آن‌ها را می‌شناخت و همبازی خواهرش بود. از وقتی پدرش او را نشان کرده محمد کرده بود، می‌دانست دیر یا زود او هم باید راهی خیر شود. پیش از او، آمنه را به پسری از جاسک و پسر از او هم دو خواهرش را به دو برادر شیرازی دادند. انگار تقدیر هر دختر این بود دور از خانواده خودش زندگی کند. زندگی اما برای او سخت‌تر شد. دوری از طایفه و شهرش یک طرف و وضعیت بد مالی محمد طرف دیگر. نه آنکه غیرت و تعهد کار نداشته باشد، شانس و اقبال زیاد روی خوش خود را به خانواده او نشان نداد و محمد بارها کارش را از دست داد. وضعیت تولید خوب نبود و او در خرید و فروش هم موفق نبود و مدام سرش کلاه می‌گذاشتند. تمام این سال‌ها هاجر بود و عشق یک زیارت. حتی هیچگاه به شهر خواهرها هم نرفته بود و گهگاه خانه پدری فقط آن‌ها را دیده بود. اما سفر مشهد آرزویش بود. وقتی خواهرهایش از مشهد و حرم مطهر امام می‌گفتند، دلش حسابی هوایی می‌شد. حتی یکی از خواهرهایش به کربلا رفته و بدجوری با عکس‌ها و حرف‌هایش دل هاجر را لرزانده بود. اما او که حتی هزینه سفر مشهد را نداشت، کجا و کربلا کجا؟

دلش به یک چیز حسابی گیر کرده بود. مردش مؤمن بود، توکلش به خدا بود و بالاخره توانسته بود او و دو فرزندش را راهی این سفر رؤیایی کند. کاش خودش هم می‌توانست از کار برنده و همراهشان بیاید. حالا هاجر در قطار مشهد نشسته بود. همراه مریم و مصطفی. تمام این سال‌ها فقط حرم امام رضا(ع) را از قاب تلویزیون دیده و آه کشیده بود و حالا تمام آن تصاویر را زنده خواهد دید. آن هم با بچه‌هایی که با وجود تمام مشکلات، آن‌ها را خوب و معتقد بار آورده بودند.

به مصطفی زل زد. اولین ثمره عشق او و محمد. حافظ قرآن بود و حتی الان هم در سفر، روی بخش آخر جزء بیستم تمرین می‌کرد. خدا را شکر که زمینه درک محبت همراه مریم و مصطفی، تمام این سال‌ها فقط حرم امام رضا(ع) را از قاب تلویزیون دیده و آه کشیده بود و حالا تمام خواهرش را در مشهد و حرم مطهر زیارت کرده بود. وقتی خواهرهایش از مشهد و حرم مطهر امام می‌گفتند، دلش حسابی هوایی می‌شد. حتی یکی از خواهرهایش به کربلا رفته و بدجوری با عکس‌ها و حرف‌هایش دل هاجر را لرزانده بود. اما او که حتی هزینه سفر مشهد را

شرح حدیث

حاج آقا مجتبی تهرانی

## سرنخ برآورده نشدن حاجات، به من و تو برمی‌گردد

امام باقر(ع) می‌فرماید: «بنده از خداوند حاجتی را درخواست می‌کند و شأن و وضعیتی شایسته دارد که خداوند نیاز او را به زودی و بلافاصله و یا اینکه با فاصله و پس از مدتی برآورده و عطا می‌کند؛ اما آن بنده گناهی را مرتکب می‌شود. پس خداوند تبارک و تعالی به فرشته‌ای که مأمور برآورده کردن حاجت اوست، می‌فرماید: حاجت او را برآورده نکن و او را محروم از خواسته‌اش بنما؛ چون او خود را در معرض خشم من قرار داده و مستوجب محروم شدن از حاجت خود است». این از روایت‌هایی است که سند بسیار معتبر دارد، در اصول کافی است. محمد بن مسلم از اصحاب امام باقر(ع) می‌گوید: حضرت به من فرمود: «بی جعفر(ع) قال: اِنَّ العَبدَ یَسئَلُ اللهَ الحاجَه» بنده از خدا درخواست می‌کند یک حاجت، یک چیزی به او بدهد، «فَیَکُونُ مِن شَأنِهِ قَضاءُها» حاجیگاهش هم این است، این اگه، آن موقع در یک موقعیت بهتری بدهد که بهتر کیف کند؛ چون خدا بهتر از او می‌داند.

یک موقعیتی است که از خدا درخواست می‌کند؛ چون کارها دست اوست، خدا هم برآورده می‌کند. «الی اَجَلٍ قَریبٍ او الی اَمَدٍ بَعیدٍ» یا بلافاصله می‌دهد یا مقداری طول می‌اندازد تا در یک موقعیت بهتری بدهد که بهتر کیف کند؛ چون خدا بهتر از او می‌داند.

پیش خدا چوری بود که خدا باید حاجتش را بدهد، می‌رود گناه می‌کند. «فَیَقُولُ اللهُ تَبارَکَ وَ تَعالی لِمَلَئِکَه» اینجا خدا به فرشته‌ای که مأمور به آوردن حاجت این شده بود، می‌گوید: «لا تَقضِی حاجَتَه» حاجتش را بهش نده «اَو اَحرِمهُ اِیّاه» محرومش کن. چرا؟ «اِبی حساب؟» نه، حساب شده است. «فَاِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطی» این خودش را در معرض خشم من قرار داده، «وَاَستَوجَبَ الحِرمانَ» و مستحق است محرومش کنم. بله، همه کارها دست اوست؛ اما کار او هم بی حساب نیست، سرنخ نه من و تو برمی‌گردد. حواست جمع باشد.

منبع حدیث: اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۲۷۱

امام رضایی‌ها

یک روز با اعضای مؤسسه شمس در مرکز «مادر و کودک» تهران

# خاطره شیرین از آبگوشت نذری مرحوم فلسفی

**هدیه سادات میرمرتضوی |** اینجا انتهای پارک شهدای گمنام است؛ انتهای خیابان کمالیان؛ جایی حوالی میدان خراسان در ابتدای خیابان خاوران. اینجا پناهگاهی است برای زنانی که یک بار به آخر خط رسیدند و حالا اینجا هستند چون دلشان تولدی دوباره می‌خواهد. مرکز درمان و بازتوانی «مادر و کودک» درست در این مکان قرار دارد. مرکزی که امروز، حال و هوایش عجیب خوش شده. این را می‌توان از همان پشت در مرکز فهمید. با صدای مداحی کربلایی مهدی میرزایی که صدایش از بلندگو تا اینجا هم می‌آید: «نیست گاهی هیچ راهی جز به شاهی رو زدن، با غمی سنگین رسیدن پوزه‌ای تو زدن / ظهر گرما، صحن ساقاخانه می‌جسبد چقدر، ضامن آهو شنیدن، بعد از آن یا هجو زن / در شلوغی‌ها دو تا آرنج خوردن بی‌هوا، مست چون جامی، به دیگر جام‌ها پهلو زدن...». در محوطه بوی اسپند می‌پیچد. خیران مشغول کار هستند. یک نفر نشان با چاسبندی شبیه به چاسبندی خادمان رضوی حرکت می‌کند. از کنار پرچم سبز رضوی که به اهتزاز درآمده، می‌گذرد و چاسبندی را می‌چرخاند. صدای صلوات در فضا موج می‌زند. حالا دست‌ها انگار با شوق بیشتری حرکت می‌کنند. عدد‌ی نان‌های سنگک را برش می‌زنند. یک نفر در پلاستیک می‌گذارد و نفر بعدی، پلاستیک‌ها را دوخت می‌زند. محمد نوری‌زاده، مؤسس خیریه شمیم مهر سبحان (شمس) وابسته به کانون‌های خدمت رضوی استان تهران ۹۷ هفته‌ای می‌شود که با همراهان همدلش در هر چهارشنبه امام رضایی، به نیابت از امام مهربانی، مردم مناطق کم‌بضاعت تهران را اطعام می‌کند. چهارشنبه‌ای که گذشت اما برای او و اعضای خیریه شمس فراموش نشدنی بود. چهارشنبه‌ای که کارتن‌خواب‌ها و زنان آسیب‌دیده اجتماعی، میهمان این خیریه و نگاه مهربان امام هشتم(ع) شدند. نوری‌زاده در این زمینه می‌گوید: «این هفته می‌خواهیم ۲۰۰ وعده آبگوشت بین نیازمندان تقسیم کنیم. ۱۴۰ وعده از این غذا پنج نفره و برای خانواده‌های محله و زنان بی‌خانمان ساکن در مرکز «مادر و کودک» است. این زنان بی‌خانمان و آسیب‌دیده از اعتیاد و یا ترک کرده همراه کودکانشان در این مرکز زندگی می‌کنند».

**■ آرزویی که برآورده شد**

محمد نوری‌زاده در این نذرهای امام رضایی خود، همراهی دارد که داوطلبانه برای اطعام مردم نیازمند منطقه یاری اش کرده و او کسی نیست جز مجید صادقی، مالک رستوران‌های زنجیره‌ای معروف تهران. مردی که علت همکاری اش با خیریه شمس نیز به خاطره‌ای از شهر امام رضا(ع) در سال ۹۰ برمی‌گردد: «با بچه‌های مدرسه به اردویی در مشهد رفته بودیم که با آقای فلسفی آشنا شدم. ایشان معروف بود به اینکه چهارشنبه‌ها مستضعفان مشهد را آبگوشت میهمان می‌کند. خاطره شیرین آن نذری، تمام این سال‌ها در ذهن من مانده بود طوری که همیشه یکی از آرزوهایم این بود در تهران یا سایر شهرهای ایران نذری مشابه نذر خیر مشهدی اذا کنم. تا اینکه یک روز اتفاقی فهمیدم یکی از دوستان با خیریه شمس همکاری می‌کند. این خیریه، گروه شناسایی گسترده‌ای دارد و در تمام مناطق محروم اقدامات ارزشمندی انجام داده است. فکر و آرزویم را با آقای نوری‌زاده، مدیر عامل خیریه شمس مطرح کردم و حالا ۴ هفته است که ما مسئولیت طبخ آبگوشت را بر عهده داریم.

**■ این واقعه چه فضیلتی از فضائل اهل بیت(ع) را آشکار و چه آموزه‌ای مهمی را به خانواده‌ها عرضه می‌کند؟**

این واقعه از بزرگ‌ترین فضائل اهل بیت(ع) است که نشان می‌دهد آن بزرگواران چقدر اهل ایثار هستند و چگونه دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند، در حالی که خود سخت به آن امکان مالی نیاز دارند. این نه تنها ثبت تاریخ است بلکه برای همه ایمانی بشگر الثو شد تا آن‌ها که طالب ایثارگری هستند، مدلی فوق‌العاده موفق و شگفت‌انگیز و قابل اقتدا در اختیار داشته باشند. چنان‌که در دوران دفاع مقدس وقتی دشمن حمله شیمیایی می‌کرد رزمندگان ماسکشان را با آنکه به‌شدت به آن محتاج بودند به دوستان و همرزمانشان می‌دادند. این رفتارها برگرفته از آموزه‌های اهل بیتی است که در دیگر جنگ‌ها دیده نمی‌شود.

**■ مهم‌ترین آموزه این واقعه که می‌تواند ضامن بقا و دوام پیوندهای خانوادگی باشد، چیست؟**

بهترین نوع خانواده، خانواده‌ای است که بین اعضای آن انسجام برقرار باشد؛ چنین خانواده‌ای مستحکم و دارای یگانگی و هماهنگی و همدلی است. این واقعه‌ای که رخ داد سبب شد ۲۵ ذی‌الحجه روز خانواده نام گیرد چون همه کعبه آمال ما در ایجاد خانواده، استحکام آن است. اهل بیت(ع) در این واقعه نشان دادند با هم همدل و همسو هستند؛ این طور نبود یکی از آن‌ها اهل بخشش باشد و دیگری این ایثار را لازم ندانند و قصور بر ایثار داشته باشد. هنر خاندان رسالت در این است که همسویی در آن‌ها موج می‌زند؛ برای مثال در بنی‌عباس، مأمون بردارش امین را به قتل می‌رساند، بنی امیه با هم نمی‌ساختند و در اختلاف‌های محتوایی و مبنایی با هم بودند اما در سیره حضرات معصومین(ع) پیوستاری خاص و منحصربه‌فرد دیده می‌شود و برای همین انسجام است که رهبر معظم انقلاب فرمودند: گویی همه این حضرات(ع) یک انسان هستند که ۲۵۰ سال عمر کرده است. از این رو، نام‌گذاری ۲۵ ذی‌الحجه به روز خانواده انتخابی بجاست.

**■ پرانکدگی و تشتت درون خانوادگی چه مضعلاتی را بر این نهاد تحمیل می‌کند؟**

همه مشکلات خانواده در پراکندگی و عدم هماهنگی و همدلی اعضای آن ریشه دارد. اینکه پدر و مادر و فرزندان هر یک راه خود را می‌روند مشکل‌آفرین است؛ چنان که در غرب پس از انقلاب صنعتی خانواده به فروپاشی رسید و در شرق نیز به خاطر همین پراکندگی است که از خدا درخواست شده تا خانواده‌ها را فهرست کنیم فرد‌گایی در رأس آن‌ها قرار دارد. در خانواده سنتی که برگرفته از سنت و سیره اهل بیت(ع) است پدر جایگاه خود را دارد، مادر و فرزندان نیز همین‌طور و پیوندی عمیق بین اعضای خانواده برقرار و اصولی خاص بر روابط آن‌ها حاکم است؛ اما در خانواده غربی هر کسی در فکر خویش است و به تعبیر شهید مطهری مفهوم «ما» اتفاق نیفتاده است. خیرات و برکات در وحدت است نه کثرت؛ این وحدت و انسجام است که ضامن موفقیت می‌شود چنان که در پرتو ذرات نور از پشت یک عدسی است که آتش را می‌توان روشن کرد و گرنه نور، پخش شده و منشأ اثر نمی‌شود. اگر خانواده بخواهد ایمن و موفق باشد نیازمند اتحاد و همدلی است؛ بنابراین باید خانواده نقش کانونی خود را حفظ کند اگر چنین نباشد و از اساس و بنیان متزلزل باشد و از ابتدای ازدواج هر کس ساز خود را بزند و خانواده فاقد مدیریت باشد، ره به جایی نمی‌برد؛ چون مدیر از ضروریات بدیهی خانواده است. ما پس از انقلاب صنعتی مدیریت در خانواده از بین رفت و این بنیان به سمت اضمحلال حرکت کرد.

**■ توجه به سیره امام رضا(ع) چه آموزه‌هایی برای امروز ما که با مشکلات خانوادگی دست به گریبان هستیم، دارد؟**

نقل است امام رضا(ع) فرزندشان امام جواد(ع) را روی زانو نشانده بودند و غذایی را لقمه لقمه و با حوصله در دهان فرزند خردسالشان می‌گذاشتند. این شیوه، محبت بین پدر و فرزند را ایجاد و مستحکم می‌کند؛ اما امروز می‌بینیم پدر و مادر و بچه‌ها هر کدام جدا از هم غذا می‌خورند و سفره گرم و گیرایی که ارتباط چهره به چهره را بین اعضای خانواده برقرار کند، وجود ندارد. همین نقل از سیره امام رضا(ع) نشان از گرما و صمیمیت خانوادگی حضرت(ع) دارد. این آموزه‌ها بسیار مهم است اما بعضاً می‌بینیم پدر، فرزندان را برای آنکه خوراکی موردعلاقه‌شان را خورده‌اند، تنبیه بدنی می‌کند.

همه آداب خانوادگی فرصت‌هایی است برای انسجام و استحکام خانواده. باید از فرصت پی‌آمد و شد و صحبت کردن و... برای دلبری از هم بهره بگیریم اما متأسفانه این فرصت‌ها را تبدیل به تهدید می‌کنیم؛ این‌گونه معلوم می‌شود ما جایگاه خانواده را نمی‌شناسیم.

همه چیز در خانواده است؛ رشد، بلوغ، آرامش، معنویت، آسایش و... اما ما از این ظرفیت‌ها غافل هستیم و یا پشت کردن به این فاصله‌ها را تبدیل به سوی دیگران دراز می‌کنیم. بشریت وقتی موفق می‌شود که به خانواده بازگردد. خانواده‌گرایی از دیدگاه قرآن یک اصل اساسی است.

**■ گفته می‌شود «فرزندان در خانواده‌ای که محبت در آن نیست قد می‌کشند اما بزرگ نمی‌شوند» چقدر این تعبیر با واقعیت مطابق است؟**

استادی می‌گفت ما گنده می‌شویم اما بزرگ نمی‌شویم؛ مرحوم شهید مطهری بحثی درباره بزرگی و بزرگواری روح دارد و آنجا می‌گوید برخی روح‌ها بزرگ هستند به بزرگواری و ارواحی هم بزرگ با سریع یا به قول ما بطیی «اَو الی اَمَدٍ بَطیی» «اِن قَریب‌ه‌او بعید». در اصطلاح امام باقر(ع) می‌گوید: حضرت به من فرمود: «اِبی جعفر(ع) قال: اِنَّ العَبدَ یَسئَلُ اللهَ الحاجَه» بنده از خدا درخواست می‌کند یک حاجت، یک چیزی به او بدهد، «فَیَکُونُ مِن شَأنِهِ قَضاءُها» جایگاهش هم این است، این اگه، آن موقع در یک موقعیت بهتری بدهد که بهتر کیف کند؛ چون خدا بهتر از او می‌داند.

پیچه‌ها مقابل ما قد می‌کشند در حالی که رشید نمی‌شوند؛ عظیم و طویل می‌شوند اما کریم نمی‌شوند. کرامت از آن ویژگی‌هایی است که وجه امتیاز انسان به شمار می‌رود. خانواده باید محل تربیت انسان‌های کریم باشد نه آنکه فقط بچه‌ها را بزرگ کنیم که سینه‌های ستبر و قد بلند بیایند؛ خانواده باشگاه بدن‌سازی نیست بلکه محل رشد صفات انسانی و مکارم اخلاقی است. اهل بیت(ع) دغدغه کرامت و تربیت کریمانه فرزندانشان را داشتند. در واقعه‌ای که محور این گفت‌وگو است و در ابتدای سخن آمد، اگر ما بودیم می‌گفتیم بچه‌های ما باید غذا بخورند و در سن رشد هستند، اما حضرت (عم‌الس) و امیرالمؤمنین(ع) بدون اجبار، فرزندان را هم در ایثار همراه کردند.

درباره اهتمام امام رضا(ع) به تربیت کریمانه فرزند نیز نقل است ایشان در نامه‌ای به فرزندشان جواد الائمه(ع) نوشتند: «به من خبر رسیده خدمتکارانت تو را موقع خروج از منزل از در کوچک بیرون می‌برند و این کار برای آن است که آنان در مورد جود و احسان تو که به مردم می‌رسد، بخل می‌ورزند. من تو را به حق پدری که نسبت به تو دارم سوگند می‌دهم ورود و خروج خود را از در بزرگ قرار دهی و هر گاه می‌روی درهم و دیناری همراه داشته باش تا هر کسی را که از تو حاجتی خواهد از بخشش خود بهره‌مند گردانی و چنانچه از عموهای تو چیزی بخواهند به آن‌ها کمتر از ۵۰ دینار مده و اگر عمه‌هایت از تو درخواستی کنند آن‌ها را هم کمتر از ۲۵ دینار نبخش و زیاده بر این مقدار را مخاری و من از خدا خواهانم که قدر و مرتبه‌ات را بلند گرداند. بنابراین انفاق کن و از تهیدستی بیم نداشته باش». از امام حسن مجتبی(ع) نقل است: در دوران خردسالی شب جمعه‌ای گوش می‌کردم؛ دیدم مادرم تا صبح برای همه دعا کردند جز خود ما، دلیل را پرسیدم و مادرم فرمودند: اول همسایه بعد خودمان. ایشان این ایثارگری را در مناجات‌های مادر می‌بینند و یاد می‌گیرند. اینکه فرزندی خردسال یک شب کامل را بیدار می‌ماند و خیره و جود مادر می‌شود از محبت و عشق عمیق فرزند به مادر ناشی می‌شود؛ این در حالی است که امروز بسیاری از والدین گلایه دارند که فرزندان از ما فراری هستند! خب برای آن است که محبوبیتشان را با دعواهای مکرر و رفتارهای نامناسب دیگر نزد بچه از بین برده‌اند. قرآن می‌فرماید: با هم دعوا نکنید چون محبت بینتان سست می‌شود. دعوای مکرر والدین، جذابیت و محبت پدر و مادر را در دل فرزند کم می‌کند؛ این طور می‌شود که فرزندان ارتباط دائمی با موبایل را به بودن با پدر و مادر ترجیح می‌دهند.

**امروز بسیاری از والدین گلایه دارند که فرزندان از ما فراری هستند! خب برای آن است که محبوبیتشان را با دعواهای مکرر و رفتارهای نامناسب دیگر نزد بچه از بین برده‌اند. قرآن می‌فرماید: با هم دعوا نکنید چون محبت بینتان سست می‌شود. دعوای مکرر والدین، جذابیت و محبت پدر و مادر را در دل فرزند کم می‌کند.**

کوپیده

## در گفت‌وگوی قدس با حجت‌الاسلام واعظ موسوی مطرح شد

# خانواده موفق به روایت سوره «هل اتی»

خانواده

# ازدواج به ضرورت دوم تبدیل شده است!

برای افزایش ازدواج و فرزندآوری در سطح ملی باید توسعه خانواده محور باشد؛ درحالی که متأسفانه در کشورمان ضرورت ازدواج و فرزندآوری در اذهان نسل جدید به یک ضرورت ثانویه تبدیل شده است. اوضاع به‌گونه‌ای شده که تحصیلات و اشتغال لازم و ملزوم هم شده‌اند، به‌عبارتی این دو به هم وابسته شده‌اند؛ از طریق صداوسیما و رسانه‌ها در ذهن نسل جدید القا شده که افراد برای اینکه مشاغل بهتری را بدست بیاورند، باید تحصیلات بیشتری داشته باشند. از طرفی، اشتغال زنان که یک ضرورت توسعه‌ای نیز بود، آثاری را در پی داشته که افزایش سن ازدواج یکی از آن‌هاست؛ در نتیجه افراد خود به خود به‌دنبال تحصیلات بالاتر می‌روند. مسئله دیگر اینکه هزینه‌های اقتصادی ازدواج و تشکیل زندگی بالا رفته و طرفین خواهان امکانات خاصی هستند و نسبت به هم انتظارات متفاوتی از لحاظ اقتصادی دارند؛ هزینه مسکن و افزایش قیمت‌ها تشکیل زندگی را به تأخیر می‌اندازد. مسائل اقتصادی در کنار تغییرات اجتماعی و فرهنگی سبب شده همه کشورهایی که قصد دارند روند توسعه را طی کنند در موضوع ازدواج دچار تغییر و تأخیر شوند؛ نوع و شکل توسعه وقتی به‌سوی توسعه غربی و اقتصاد لیبرالیستی می‌رود، ارزش‌هایی متعاقب آن ایجاد می‌شود، یکی از آن‌ها تحصیل و اشتغال و وابستگی این دو به هم است، در نتیجه فرایندهای توسعه در کشور ما باعث می‌شود ازدواج و فرزندآوری تأثیر می‌گذارد و نظام خانواده را دچار دگرگونی می‌کند.

**■ ایرانیان هنوز ازدواج و فرزندآوری را دوست دارند**

با تمام تغییراتی که رخ داده، ایرانیان هنوز ازدواج و فرزندآوری را دوست دارند اما تأثیر تغییرات یاد شده برای نسل جدید کاملاً مشهود است. ایجاد شرایط مناسب در زمینه ازدواج، تحت تأثیر سیاست‌های کشور و تسهیلات این حوزه است اما وقتی نگرش تغییر کند بازگشت از آن، سخت و پرهزینه خواهد بود. این مسئله را در اروپا می‌بینیم، در کشورهای در حال توسعه مثل ایران نیز اگر توسعه خانواده‌محور نباشد، نتیجه همان خواهد بود البته با یک‌سری تفاوت‌ها در جامعه. افزایش میزان طلاق و روابط خارج از ازدواج موادی است که نشان از کمرنگ شدن ضرورت ازدواج دارد. تغییر در الگوهای ازدواج و افزایش سن آن، تعداد فرزندان و فاصله بین فرزندان نیز از جمله موادی است که از این موضوع تأثیر می‌گیرند. ما با یک سقوط آزاد در حوزه باروری مواجه بوده‌ایم و از حدود ۶ فرزند در سال ۶۵ به نرخ باروری ۱/۷ در زمان حاضر رسیده‌ایم و براساس برآوردها این عدد حتی به ۱/۶ فرزند در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

این تغییرات اگر با همین روند ادامه پیدا کند تا ۳۰ سال آینده رشد جمعیت منفی خواهد شد. دولت آینده باید زمینه‌هایی را که موجب افزایش سن ازدواج و عدم اشتغال پایدار می‌شود برطرف و برای هر خانواده حداقل یک شغل تأمین کند. نباید اشتغال زنان مثل مردان هشت ساعت باشد. به‌خاطر این مسئله ملی باید روی موادی کار کنیم که حضور زوجین در خانواده بیشتر شود تا بتوانند فرزندان خود را تربیت کنند. دو چیز برای فرزندآوری لازم است؛ یکی فرصت تربیت و دیگری بحث اقتصادی آن.

برگرفته از گفت‌وگو با خانم فروسی‌مسئول آندیشکده جمعیت دانشگاه فردوسی

حواشی

**من قال فینا بیت شعر بنی الله له بیتا فی الجنة**

**هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید، خدای بزرگ برای او در بهشت خانه‌ای می‌سازد.**

سبک زندگی

# می‌شود روضه‌های خانگی را بی‌تکلف برگزار کرد

روضه‌های خانگی در ماه‌های محرم و صفر و فاطمیه از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در سنت ایرانی عزاداری داشته است. سنت برپایی روضه‌های خانگی جزئی از میراث معنوی فرهنگ شیعی به شمار می‌آید که ریشه در باورها و اعتقادات مردم این سرزمین دارد. در قدیم روضه‌های خانگی پررونق بود و امروزه روضه‌های دسته‌جمعی و گروهی به نام هیئت جایگزین روضه‌های خانگی شده و به عبارتی این سنت دیرینه کمرنگ‌تر شده است. با شیوع ویروس کرونا و عدم تجمعات در ماه محرم و صفر، روضه‌های خانگی دوباره راه افتاد و محبان اهل بیت(ع) فضای خانه خود را معطر به نام اهل بیت(ع) کردند. امام باقر(ع) به کسانی که در روز عاشورا نمی‌توانند به زیارت آن حضرت بروند، این گونه دستور عزاداری دادند: بر حسین(ع) ندبه، عزاداری و گریه کنید و به اهل خانه خود دستور دهید بر او بگریند و در خانه‌تان با اظهار گریه و ناله بر حسین(ع)، مراسم عزاداری برپا کنید و یکدیگر را با گریه، تعزیت و تسلیت‌گویی در سوگ حسین(ع) در خانه‌هایتان ملاقات کنید.

این مجالس علاوه بر برکات و بهره‌مندی‌هایی که برای صاحبان مجالس دارد موجب اتفاقات خوبی نیز می‌شود. صله رحم، طول عمر و ازدیاد رزق و روزی، ارتباط بین روحانیت و عزاداران و انس کودکان با مکتب اهل بیت(ع)، با خیر شدن از بستگان و همسایگان و برطرف کردن مشکلاتشان در حد وسع از جمله موضوعاتی است که در برپایی روضه‌های خانگی اتفاق می‌افتد. در این مراسم نیازی به هزینه‌های گزاف نیست و می‌توان تنها با چای و قند از میهمانان پذیرایی کرد. علاوه بر این حتماً نباید اصراری به برگزاری روضه‌هایی با جمعیت زیاد داشت. در شرایط کرونایی امروز، روضه خانگی که فقط با حضور اعضای خانواده برگزار شود می‌تواند جایگزین خوبی برای هیئت‌هایی باشد که به دلیل همه‌گیری کرونا امکان برگزاری ندارند. مهم نیست و برگزاری یک مراسم بی‌تکلف است. آیت‌الله قاضی در این باره فرمودند: «در عزاداری و زیارت حضرت سیدالشهدا(ع) مسامحه ننمایید،

روضه هفتگی ولو دو سه نفر باشد، اسباب گشایش امور است و اگر هفتگی هم نشد دهه اول محرم ترک نشود». سنت برپایی روضه‌های خانگی، جزئی از میراث معنوی فرهنگ شیعی به شمار می‌آید که ریشه در باورها و اعتقادات مردم این سرزمین دارد. حال چندی است که تقویت، تکثیر و تعالی این محافل وجهه همت جامعه ایمانی مشعر بوده است. حجت‌الاسلام سیدحسین آقامیری، سخنران مذهبی نیز در مراسم رونمایی از صندوقچه روضه‌های خانگی، اظهار کرد: بشریت باید در یک سطحی عاشورا را فهم کند تا بتواند ظهور امام زمان(عج) را فتح کند.

آیت‌الله بهجت می‌فرمود: زمانی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند کسی در عالم نیست که امام حسین(ع) را نشناسد. اربعین فرصتی برای معرفی امام حسین(ع) است. آقامیری با بیان اینکه اگر در کانون خانواده کم‌کاری کنیم، ظهورش را در جامعه می‌بینیم، گفت: مکتب ما بالاترین سرمایه‌گذاری را در خانواده کرده است و هیچ مکتبی همچون اسلام در خصوص خانواده حرف ندارد. شکل‌گیری اولیه شخصیت مادر خانواده بوده است. شهدای انقلاب اسلامی، شهدای مدافع حرم و... ریشه اولیه محبتشان به امام حسین(ع) در خانواده شکل گرفته است.

**برگرفته از خبرگزاری مهر**

حواشی

**اهمیت خانواده در اسلام از همه مکاتب بالاتر است**

آیت‌الله بهجت می‌فرمود: زمانی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند کسی در عالم نیست که امام حسین(ع) را نشناسد. اربعین فرصتی برای معرفی امام حسین(ع) است. آقامیری با بیان اینکه اگر در کانون خانواده کم‌کاری کنیم، ظهورش را در جامعه می‌بینیم، گفت: مکتب ما بالاترین سرمایه‌گذاری را در خانواده کرده است و هیچ مکتبی همچون اسلام در خصوص خانواده حرف ندارد.

**هرکس بر رنج کسب‌وکار صبر نکند، باید رنج نداری را تحمل کند.**

خانواده

# الگوسازی تلویزیون آمریکا با «خانواده ۱۹ فرزندی»!

کشورهای پیشرفته در سیاست‌گذاری‌های کلان خود همواره از شیوه‌های مختلفی برای الگوسازی در فرزندآوری برای مردم استفاده می‌کنند؛ نمونه آن استفاده تلویزیون آمریکا از یک خانواده ۱۹ فرزندی برای تحقق این سیاست است!

خانواده «داگر» شناخته‌شده‌ترین خانواده پرجمعیت آمریکاست؛ دلیل معروف شدن آن‌ها نیز چیزی نیست جز برنامه تلویزیونی «آن‌ها»! این برنامه تلویزیونی به‌مدت هفت سال ادامه پیدا کرد و سبب شد این خانواده سرزبان‌ها بیفتد. «۱۹ بچه و در حال شمردن» یک نمایش تلویزیونی واقع‌نمای آمریکایی است که تا تمام آن در سال ۲۰۱۵ به‌مدت هفت سال در شبکه تلویزیون کابلی پخش شد. این برنامه زندگی خانواده داگر را نشان می‌داد: والدین جیم باب و میشل داگر و ۱۹ فرزندشان، ۹ دختر و ۱۰ پسر که اسم همگی‌شان با حرف «ژ» شروع می‌شود. حین مدت پخش این شو، سه تا از بچه‌ها ازدواج کردند و نوه‌های متعددی به دنیا آمدند. این برنامه تلویزیونی متمرکز بر زندگی خانواده داگر بوده و اغلب در آن ارزش‌های پاکدامنی، عفت و ایمان به خدا مورد بحث قرار می‌گرفت؛ داگرها اظهار می‌کنند تصمیم گرفته‌اند اجازه دهند خدا تعداد فرزندانشان را تعیین کند؛ همه فرزندانشان در خانه تحصیل می‌کنند و دسترسی به تفریح نظیر فیلم و تلویزیون محدود است. این شوی تلویزیونی با متوسط تعداد بیننده ۲/۳ میلیون نفر پربیننده‌ترین شوی تی‌ال‌سی و جزو ۲۵ نمایش تاپ تلویزیون کابلی بود.

۱۹ فرزند، شامل ۱۰ پسر و ۹ دختر، اعضای خانواده داگر هستند البته این خانواده در جفت دوقلو نیز دارند؛ فاصله نخستین تا آخرین فرزند ۲۱ سال و نیم و میانگین فاصله بچه‌ها ۱۵ ماه است. البته قرار بود خانواده آمدن بیستمین فرزند خود را نیز جشن بگیرند که بارداری با مشکل روبه‌رو شد و دختر دهم خانواده درگذشت. تا امروز هشت فرزند این خانواده ازدواج کرده‌اند.

توجه به برنامه‌های تلویزیونی همچون «۱۹ بچه و در حال شمردن» این سؤال را پیش می‌کشد که نقش صداوسیمای جمهوری اسلامی در ترویج و احیای دوباره فرهنگ فرزندآوری خانواده‌های ایرانی کجاست و تاکنون چه عملکردی داشته است؟!

عکس نوشت

# باغ سیب

عکس: محسن رحیمی

عنبران

الهه ارجمندی راد | مش کریم را تمامی روستا به خادمی امام رضا(ع) می‌شناختند. نه اینکه اسم و رسمش را از پدر نداشته باشد اما خودش هم مانند نامش بخشنده بود و هرچه می‌توانست به نام حضرت برای اطرافیانش انجام می‌داد. از همان روزی که طبق وصیت پدر، نیمی از باغ سیبش در کرمان را وقف امام کرد، هم رونق باغ بیشتر شده بود هم دستش به خیر بیشتری می‌رفت. انگار آن وصیت زندگی این خانواده را زیروزبر کرد. به‌خصوص امسال که آسمان هم بخشنده بود و زمین‌های کشت علوفه و باغ‌های میوه را زنده کرده بود. مش‌کریم هم مثل هر سال برای چیدن میوه‌های باغ وقفی کارگر گرفت و پول محصول را به دفتر موقوفات داد. در تمام طول سال وقتی در آن تکه از باغ، زمینی شخم می‌زد یا راه آبی باز می‌کرد انگار داشت برای خود حضرت کارگری می‌کرد. با لذت خاصی آب را پای درخت‌ها می‌رساند و به میوه‌ها می‌رسید. بعد هم کنار درختی می‌نشست و چای آتشی می‌گذاشت. نمازش را به‌جا می‌آورد و بعد هم طبق عادت، زیارت‌نامه امام رضا(ع) را می‌خواند و همان جا اجرت کارگرهایش را از حضرت طلب می‌کرد. از مال دنیا چیز دیگری نمی‌خواست. تمام این سال‌ها دعایش، از بین رفتن سرطان دخترش بود. تنها دارایی که داشت و غصه‌اش او و زنش را از پا انداخته بود. همین که تمام این سال‌ها این دختر توانسته بود مقاومت کند و زنده بماند، باز جای شکرش باقی بود و آن را لطف حضرت می‌دانست. اما دلش سلامتی کامل می‌خواست. روزی که بتواند این دختر را سالم به خانه بخت بفرستد و خیالش راحت شود. کارگرش را دید که به‌طرفش می‌آید. جوان ۳۰ ساله‌ای بود که برای گرفتن وامش می‌آمد. قولش را همین دیروز کنار این درخت به او داده بود. جوان گفته بود برای خرج عمل مادرش می‌خواهد و قرار هم بود جوری که روی جوان فشاری نیاید قسط‌ها را از حقوقش کم کند. مش‌کریم راضی بود؛ همین که گرهی باز می‌شد هرچند این بار هم این گره، گره زندگی خودش نبود.

درنگ

# جوانان دین‌گریز نیستند

باید دین را با ادبیاتی نوین و امروزی و از زوایای مختلف علمی و تاریخی و براساس کارکردهای دین در زندگی برای جوانان تبیین کرد که بی‌تردید مفید و مؤثر خواهد بود. کریم یزدی می‌گویند بحث حجاب و عفاف را از منظر برون‌دینی تبلیغ کنیم چون جوانان دین‌گریز هستند یا می‌شوند حرف نادرستی است. با تجربه بیش از دو دهه فعالیت خود در بین جوانان این جامعه می‌تو

قله المنطق حکم عظیم فعلیکم بالصمت

کم‌گویی، حکمت بزرگی است. پس بر شما باد به خموشی.

خبر امروز

## تازه‌های نشر کتابخانه و موزه ملی ملک

نمایشگاهی از تازه‌ترین کتاب‌های انتشارات مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک در فضای باغ ملی تهران برپا شد.

به گزارش آستان‌نیوز، مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک با توجه به توقف خدمات حضوری خود به دلیل شیوع بیماری کرونا در کشور و نبود امکان برگزاری نمایشگاه در داخل مؤسسه، جلوه دیگری به ویترین‌های بخش بیرونی ساختمان این موقوفه فرهنگی آستان قدس رضوی در پایتخت بخشید و آن‌ها را به نمایش منتخبی از کتاب‌های انتشارات این مؤسسه اختصاص داد.

این نمایشگاه با هدف معرفی بخشی از فعالیت‌های انتشارات مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، اشاعه فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در بین شهروندان و ایجاد فضایی متفاوت در بخش بیرونی ساختمان این مجموعه فرهنگی برگزار شده است. کتاب‌هایی همچون دفتر یکم کتاب «روزگار ملک؛ هشتاد خاطره و روایت از حاج حسین آقا ملک»، «با کودکان در موزه ملک» و... در این نمایشگاه به چشم می‌خورد.

اهل تاریخ و فرهنگ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره مجموعه محصولات فرهنگی کتابخانه و موزه ملی ملک اعم از کتاب، کتابچه، بروشور تخصصی، نرم‌افزار و فیلم می‌توانند به فروشگاه اینترنتی این مؤسسه به نشانی shop.malekmuseum.org مراجعه کنند.

زیارت

### تشرف رئیس مجلس سنای پاکستان به حرم مطهر رضوی

**محمدصادق سنجرانی، رئیس مجلس سنای پاکستان به همراه هیئت همراه که برای حضور در مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید، به ایران سفر کرده، با حضور در مشهد مقدس، به زیارت امام رضا(ع) مشرف شد و در ادامه با بخش‌هایی از فعالیت‌های آستان قدس رضوی آشنا شد. وی در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: ایران و پاکستان در طول تاریخ همواره ارتباط خوب و دیرینه‌ای با یکدیگر داشتند و امیدواریم با تشکیل دولت جدید در این کشور این روابط، به ویژه در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی، مستحکم و قوی‌تر از قبل ادامه یابد. سنجرانی ضمن ابراز خشنودی از حضور در مشهد و میهمان نوازی خادمان حرم رضوی افزود: ان‌شاءالله با کمک امام رضا(ع) تمامی موانع و مشکلات از سر جوامع مسلمان مثل ایران و پاکستان برداشته شود.**

### افزایش ظرفیت تولید «داروسازی ثامن» و «شیراز سرم» در شرایط کرونایی

# آستان قدس رضوی پای کار تأمین سِرم

ایمان جنتی

**گزیده**

**با توجه به شرایط خاص به وجود آمده، داروسازی ثامن در راستای عمل به رسالت خود در تأمین نیازهای بیماران کشور، تعداد شیفت‌های کاری خود را افزایش داده است، همچنین نیروهای شرکت ثامن در حال حاضر در ۳۰ روز کاری مشغول به فعالیت هستند تا کمبودهای سرم بازار جبران شود.**

با توجه به افزایش آمار بیماران کرونایی و بالا رفتن میزان مصرف سرُم در کشور، شرکت‌های «داروسازی ثامن» و «شیراز سرم»، ظرفیت تولیدی خود را افزایش داده‌اند تا طبق تأکید تولیت آستان قدس رضوی، تمام امکانات شرکت‌های دارویی این آستان در خدمت مردم و کمک حال کادر درمان و بیماران کرونایی باشند.

**■ بالا رفتن میزان مصرف سرم در کشور**

به گزارش آستان نیوز، آن طور که مدیرکل امور دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو اعلام کرده است، در کنار افزایش آمار بیماران کرونا، گرمای هوا نیز منجر به کم‌آبی بدن برخی افراد و تجویز سرُم برای آن‌ها شده، به همین دلیل مصرف سرم در کشور افزایش یافته است. علاوه بر آن، بازسازی خط تولید یکی از شرکت‌های سازنده سرُم نیز مزید بر علت شده تا سازمان غذا و دارو از دیگر شرکت‌های داروسازی، درخواست کند میزان تولید سرم‌های خود را افزایش دهند.

**■ افزایش شیفت‌های کاری در داروسازی ثامن**

مدیر عامل شرکت داروسازی ثامن، به عنوان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه بنیاد بهره‌وری موقوفات و از تولیدکنندگان اصلی سرم در کشور، در گفت‌وگو با آستان نیوز در این باره گفت: با توجه به شرایط خاص به وجود آمده، داروسازی ثامن در راستای عمل به رسالت خود در تأمین نیازهای بیماران کشور، تعداد شیفت‌های کاری خود را افزایش داده است، همچنین نیروهای شرکت ثامن در حال حاضر در ۳۰ روز کاری مشغول به فعالیت هستند تا کمبودهای سرم بازار جبران شود.

مجید طبسی افزود: محصولات تولیدی این شرکت توسط شرکت‌های پخش داروی مورد تأیید وزارت بهداشت، در سطح کشور و بیمارستان‌ها توزیع می‌شود و تلاش می‌کنیم با برنامه‌ریزی انجام شده برای افزایش تولید، پاسخگوی نیاز بیماران و کادر درمان باشیم.

**■ تلاش برای رساندن ظرفیت تولید به ماهانه ۴.۵ میلیون سرمِ بطری**

وی با اشاره به اینکه تولیدات این شرکت شامل انواع محصولات تزریقی در حجم‌های متفاوت می‌شود، گفت: شرکت داروسازی ثامن در حال حاضر ظرفیت فعلی تولید ماهانه ۳ میلیون انواع سرم ۲۵۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ سی‌سی بطری را دارد که با توجه به شرایط بحرانی فعلی ناشی از اوج‌گیری دوباره بیماری منحوس کرونا با تمهیدات اتخاذ شده، نسبت به تغییر مأموریت خطوط تولیدی کیسه‌ای از سایر فراورده‌ها به تولید سرم‌های تزریقی، این ظرفیت به حدود ۴.۵ میلیون عدد در ماه افزایش یافت. ضمن اینکه این شرکت نسبت به سفارش و خرید دستگاه جدید با ظرفیت تولید حدود ۲ میلیون انواع سرم بطری در ماه اقدام کرده که در ماه‌های آینده، نصب و راه‌اندازی خواهد شد.

**■ افزایش ۲۰ درصدی تولید سرم در شرکت داروسازی «شیراز سرم»**

مدیر عامل شرکت داروسازی شیراز سرم نیز گفت: این شرکت با توجه به افزایش مصرف سرم‌های تزریقی در کشور، ظرفیت تولید خود را با ۲۰ درصد افزایش به یک میلیون و ۷۰۰ هزار بطری سرم در ماه رسانده است.

محمدحسن موقعی افزود: این شرکت با تمرکز روی ترخیص سریع‌تر مواد اولیه تولید سرم‌های قندی از گمرک، با ظرفیت کامل خود به طور ماهانه می‌تواند ۱.۵ میلیون آمپول آب مقطر تزریقی نیز تولید و عرضه کند.

وی ادامه داد: همچنین شرکت داروسازی شیراز سرم با تمدید مجوزهای قبلی و انجام مقدمات لازم، در حال پیگیری تولید ماهانه یک میلیون سرم به شکل کیسه تزریقی در راستای افزایش ظرفیت تولید خود در این حوزه حیاتی است.

مدیرعامل شرکت شیراز سرم اضافه کرد: با توجه به شرایط حساس کنونی، این شرکت با تطبیق راهبردهای تولید و مدیریت وضع موجود، بیشترین تولیدات خود را به سدیم کلراید تزریقی به شکل بطری با حجم ۵۰۰ میلی‌لیتر اختصاص داده که با ترخیص مواد اولیه باقیمانده در گمرک، سرم‌های یک سوم و دو سوم ۵۰۰ میلی‌لیتری نیز به سبد تولید شرکت افزوده خواهد شد.

**■ برنامه‌ریزی برای تولید محصولات جدید**

موقعی گفت: واحد فروش شرکت داروسازی شیراز سرم نیز به طور متمرکز در حال فعالیت بوده و عرضه محصولات طبق دستورالعمل‌های سازمان غذا و دارو در حال انجام است.

وی تصریح کرد: این شرکت استان فارس که زیرمجموعه بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی است، با تمرکز بر تولید سرم و تأمین نیاز کشور، تولید سایر محصولات دارویی در سال جاری را هم در دستور کار دارد.

### گفت‌وگو با چند نفر از بازنشستگان آستان قدس رضوی به مناسبت روز «تکریم بازنشستگان»

# ز آستان رضایم خدا جدا نکند...

**محمدحسین مروج کاشانی:** خدمت و تلاش در تشکیلات آستان قدس رضوی وابسته به بارگاه مطهر امام هشتم (ع) توفیق بزرگ و نعمت سترگی است که صحبت درباره ارزش و اهمیت آن شاید به زبان و قلم مقدور نباشد. به بهانه ۲۵ ذی‌الحجه که در تقویم تاریخ رسمی کشور به عنوان روز خانواده و تکریم بازنشستگان نام‌گذاری شده است، به سراغ چند نفر از بازنشستگان آستان قدس رضوی رفتیم و از احساساتشان درباره خدمت دراین تشکیلات مقدس و منصوب به امام مهربانی‌ها پرسیدیم.

**■ ۱۶۰ سال خدمت**

«محمدآقا ارجمندنیا»، ۸۶ ساله است و در حال حاضر یکی از پیشکسوتان خدمت و فعالیت در آستان قدس رضوی محسوب می شود. او همچنین یکی از قدیمی‌ترین خدام بارگاه مطهر امام رضا(ع) به شمار می آید.

مطابق گفته هایش، جد او به نام «ملاغلامرضا هندی زاده» از هندوستان به ایران می آید و پس از مسلمان شدن به عنوان نخستین کفشدار خارجی در کفشداری هندی ها (کفشداری ۸ سابق) واقع در ورودی رواق دارالذکر حرم مطهر رضوی مشغول کار و خدمت در حرم مطهر می شود.

ارجمندنیا دراین باره می گوید: سابقه فعالیت و خدمت در بارگاه امام هشتم(ع) در خانواده ما به حدود ۱۶۰ سال قبل باز می گردد. پس از «ملاغلامرضا هندی زاده»، پسرش مرحوم «ملا غلامحسین هندی زاده» و بعد از او پسرش مرحوم علی آقا کفشدار هندی زاده (مرحوم پدر اینجانب) و سپس اینجانب به توفیق خدمت و فعالیت در بارگاه مطهر امام هشتم (ع) در محل کفشداری هندی ها (کفشداری ۸ سابق، واقع در ورودی رواق دارالذکر) در بارگاه منور رضوی نائل می شویم.

وی ادامه می دهد: این سابقه خدمت و کار کردن در حرم مطهر حضرت رضا(ع) به ۱۶۰ سال قبل بازمی گردد و آبا و اجداد من این توفیق را داشته اند که ریزه خوار خوان با کفایت حضرت رضا(ع) باشند و این بزرگ‌ترین افتخار خانوادگی برای ما و خانواده هندی زاده ها به شمار می رود.

ارجمندنیا می افزاید: من در سال ۱۳۶۳ به افتخار بازنشستگی در آستان قدس رضوی نائل شدم، البته در سال ۱۳۶۹ با حکم تولیت فقید آستان قدس رضوی به افتخار دریافت حکم خادمی جهت خدمت افتخاری در بارگاه مطهر امام هشتم(ع) نائل شدم. من ضمن سپاسگزاری به درگاه حضرت احدیت، از امام رضا(ع) می خواهم بر من و خانواده ام منت گذارند و همان‌طور که در دنیا توفیق خدمت و کارکردن در آستان مقدس رضوی را عنایت فرموده اند در آخرت هم از شفاعت و نظر لطف و مرحمت خودشان ما را بهره‌مند فرمایند.

**■ نخستین حقوق ۴ هزارتومان**

من درشهریور ماه سال ۱۳۶۹ شمسی در آستان قدس رضوی استخدام شدم و یادم هست که نخستین حقوق ماهیانه من مبلغ ۴ هزار تومان بود. این‌ها بخشی از سخنان خانم «کبری حامد رضوی» بازنشسته آستان قدس رضوی است.

وی هم اکنون ۶۲ ساله است.

او درادامه می گوید: زمان استخدام، متأهل بوده و چهار فرزند داشتم. کوچک‌ترین فرزندم، ۹ ماهه بود. ضمن اینکه در آن موقع در حوزه علمیه مکتب نرجس مشهد هم طلبه بودم و هم تدریس قرآن داشتم.

این بانوی بازنشسته آستان قدس رضوی ادامه می دهد: در بعدازظهر یکی از روزهای بهار سال ۱۳۶۹ از طریق یکی از استادان حوزه علمیه مکتب نرجس مشهد متوجه شدم اداره آستان قدس از حوزه علمیه بانوان، تقاضای معرفی چندنفر از خواهران طلبه جهت همکاری و کارکردن در حرم مطهر امام رضا(ع) را کرده است، البته یکی از شروط این همکاری تسلط به مسائل و احکام شرعی به ویژه احکام بانوان بود که طبق شناخت این استاد محترم، من و چند نفر دیگر از خواهران طلبه به اداره آستان قدس رضوی معرفی شدیم و پس از شرکت در آزمون و مصاحبه و گزینش و انجام سایر مراحل اداری و پس از مشورت و موافقت همسرم در قسمت اداره آگاهی حرم مطهر با حقوق ماهیانه ۴ هزار تومان مشغول کار و فعالیت شدم و پس از ۲۵ سال خدمت در سن ۵۵ سالگی در سال ۱۳۹۳ به افتخار بازنشستگی از آستان قدس رضوی نائل شدم.

**■ بهترین هدیه عمرم، استخدام در دستگاه امام رضا(ع) است**

«حسین فیروزفر» دیگر بازنشسته آستان قدس رضوی است که با او همکلام می شویم. وی ۲۹ سال در آستان قدس رضوی خدمت کرده است و در سال ۱۳۸۱ به افتخار بازنشستگی نائل شده است.

او هم اکنون ۷۰ ساله است و از سه سال قبل تاکنون عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان آستان قدس رضوی است.

فیروز فر درباره استخدامش در آستان قدس رضوی می گوید: من در سال ۱۳۵۲ شمسی در اداره املاک آستان قدس رضوی استخدام شدم. در آن موقع از سوی نایب التولیه وقت آستان قدس (شخصی به نام حسن زاهدی) دستوری صادر شده بود تا از بین افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم برای کارکردن و استخدام در آستان قدس استفاده شود. من هم در سال ۱۳۵۲ دیپلم ادبی داشتم و همزمان در کنکور سراسری دانشگاه‌ها در رشته ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد قبول شده بودم. من قبل از استخدام در آستان قدس جهت استخدام در آموزش و پرورش، اداره تعاون روستایی، همچنین امور اداری یکی از هتل های مشهد مراجعه کرده بودم که به علت تداخل کلاس‌های دانشگاه با فعالیت روزمره ام، سرانجام این توفیق نصیبم شد که پس از شرکت در امتحان و آزمون و انجام سایر مراحل اداری در اداره املاک آستان قدس استخدام شوم. آن موقع محل اداره املاک آستان قدس در خیابان احمدآباد مشهد رو به روی بیمارستان قائم(عج) بود.

دقیقاً یادم هست که نخستین حقوقی که دریافت کردم ماهیانه ۴۰۰ تومان بود. خیلی خوشحال بودم که از دستگاه امام رضا(ع) حقوق می گیرم، زیرا به برکتش اعتقاد داشتم. استخدام در آستان قدس و خدمت دراین دستگاه مقدس بهترین هدیه عمرم محسوب می شود.

**■ کار برای امام رضا(ع) بازنشستگی ندارد**

وی با بیان اینکه تمام دوران خدمت و استخدام در آستان قدس رضوی را مدیون الطاف الهی و عنایات امام رضا(ع) می داند اظهار می کند: به نظر من صرف نظر از رعایت سلسله مراتب اداری، همه کسانی که در آستان قدس رضوی خدمت می کنند و یا جزو کارکنان این نهاد مقدس هستند، باید توجه داشته باشند رئیس و کارفرمای اصلی و صاحب عظیم الشأن دستگاه، وجود مقدس حضرت رضا(ع) است و همه افراد با هر منصب و جایگاهی، ریزه خوار خوان مقدس و متبرک امام هشتم(ع) هستند.

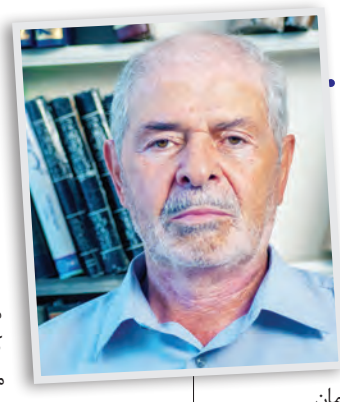

فیروزفر تصریح می کند: من به عنوان یک بازنشسته آستان قدس رضوی به همه کارکنان و خدمتگزاران این آستان مقدس توصیه می کنم آستان ملکوتی حضرت رضا(ع) را با سایر ادارات، نهادها، سازمان‌ها، ارگان‌ها و... مقایسه نکنند و سعی کنند حضرت رضا(ع) را ناظر براعمال، رفتار و گفتار خود بدانند.

وی در پایان یادآور می شود: ضمن اینکه در دنیا و آخرت چشم امید به نظر لطف و شفاعت امام رضا(ع) دارم، یک اعتقاد شخصی هم دارم و آن اینکه از نظر اداری و سازمانی یک روز مدت فعالیت و کارکردن افراد در آستان قدس رضوی به اتمام می رسد، ولی کارکردن و خدمت به دستگاه امام هشتم(ع) هیچ‌وقت بازنشستگی ندارد و همیشه می توان با کمک خداوند و عنایت امام رضا(ع) به دستگاه مقدس رضوی با نیت خالص خدمت کرد. خدمت به امام رضا(ع) زمان ومکان نمی شناسد.

حواشی

### ۱۰ روایت تاریخی از مباهله

کتاب «مباهله» عنوان اثری از بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی است که می کوشد با نگاهی به زوایای گوناگون مباهله، تصویری عمومی، زیبا و چندوجهی از آن ارائه دهد، این اثر مشتمل بر ۱۰ مقاله تحقیقی درباره مباهله پیامبر گرامی اسلام(ص) با نمایندگان نصارای نجران است که چند تن از دانشوران بنیاد پژوهش‌های اسلامی از دیدگاه‌های متفاوت به نگارش آن‌ها پرداخته‌اند. این اثر به قلم جمعی از نویسندگان ازجمله آیت‌الله جوادی آملی و پژوهشگران بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مرتضی انفرادی، علی جان سکندری، محمدعلی چنارانی و حجج‌اسلام مهدی شریعتی‌تبار و رضا وطن‌دوست به زیور طبع آراسته‌شده است.

خبر فرهنگی

### آستان قدس رضوی محور فعالیت‌های فرهنگی مشهد

رئیس سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی با بیان اینکه این سازمان می‌تواند محور تعاملات فعالیت‌های فرهنگی در شهر مشهد قرار گیرد، گفت: خوشبختانه آستان قدس رضوی مقبولیت خاصی در شهر مشهد دارد و می‌تواند در فعالیت‌های فرهنگی محور قرار گیرد. به گزارش آستان نیوز، عبدالحمید طالبی در دیدار با مدیرکل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی تأکید کرد: البته فعالیت‌های آستان قدس رضوی به تنهایی اثرگذار نیست و با کمک و همکاری دستگاه‌هایی همچون شهرداری، اوقاف، سازمان تبلیغات و بسیج اثرگذاری بیشتری خواهد داشت.

وی ادامه داد: اگر محوریت آستان قدس رضوی احیا شود و تمام تشکلات در مشهد حول پرچم امام رضا(ع) جمع شوند، آثار خوبی را شاهد خواهیم بود. حجت الاسلام احمد زاده، مدیرکل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی نیز در این دیدار با بیان اینکه بقاع متبرکه می‌توانند به عنوان مکمل زیارت حضرت رضا(ع) باشند، گفت: کاروان‌های زیرسایه خورشید که همه ساله همزمان با دهه کرامت در شهرها و استان‌های مختلف حضور می‌یابند و عطر و بوی رضوی را با خود به ارمغان می‌آورند می‌توانند آثار خوبی به همراه داشته باشد.

حجت الاسلام عطاران طوسی، مدیر مؤسسه فرهنگی و بقاع متبرکه و اماکن مذهبی آستان قدس رضوی هم در این جلسه گفت: جنس فعالیت اوقاف و آستان قدس رضوی یکی است و فرصت‌های بسیار خوبی در آستان قدس رضوی و نهاد وقف وجود دارد. یکی از این فرصت‌ها بقاع متبرکه هستند که نمونه کوچکی از آستان قدس رضوی به‌شمار می‌روند و در واقع همان فعالیت‌هایی که در آستان قدس رضوی انجام می‌شود در بقاع متبرکه، امامزادگان و بقاع شاخص نیز صورت می‌پذیرد.